



سالیانه
ششماه
برای کارگران و کارمندان و معطلین
و کارمندان جرم دولتی عدلیت تخفیف
منظور میگردد
بهای آنها با دفتر اداره است
جای اداره:
(خیابان لاله بازار بهار)
دائرة امتیاز و پست
چ. پست دوری
آذربایجان یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منتشر میشود
این روزنامه عضو جبهه آزادی است

مجاهدین در چه حال است ؟
ساعت هجرت باستانی گنجانیده است
که هفتاد سال مجلس سنیوانت به طرف
باشند .
از طرفی که شنبه ما هم دولت مجلس
انگیزت میخورد . اغلب اعضای مراکز
آزادی اشتباه بود . بزرگه جادیده او نه
آزادی بر میبختند .
دو طرف آزادیهای دیگر نیز مخالفین
ساعت قوت گرفتارند .
طرد افراتو فریب و سبب جادار دیگر
میکنند بعضی از اینها بنگار میباشند
این نادره ایست سینه مشاقت شده در
مجلس اکثریت ناشی بود میباید بیورند .
ساعت فقط در کس طاهری و سید
کاسم بر دی و دو سه نفر دیگر چینی
خیال میکنند آزادی سقوط افتخار آور
امانتی خواهند داد .
مجلسی روی کوه آتش نشانی تراز
گرفته است . گنجانیده است بعضی از کوهانی تکان
بمورد داده همیاری چندی تری بر دارد .
این پیش بینی بعضی از کلا است
هر روز در خارج آزادی مجلس سنیوانت
دو نیکو شدیدی داشته .
انگیزه افکار آزادی و مردم گراسی
است خوشبختی برایشان است .
هر یک به هر سو فکر میکنند ولی
هیچکس از طرفی سبب و سبب نیستند .
بعضی از مجلسیان سخت صحنائی
باشی در صحنه ؟

آقای مشفق نکند بیب میکند
شیرینی که به غیر ما در شماره گذشته واجب شصت آزادی مشفق کارمند
غیر کارزاری باری داد بود ایشان بواسطه بیچاره سزارنی آزادی تکمیل
کرده نوشته اند که اولاً دو بیج حریف و ذکات و عقوبت ندارند نه این که
بدمت سید شاه الیرین و سبب سنیوانت ایشان تا حال بدبوملازمت نگردد اند
تا بیا در تحریرات بر روش ابتدا دقتانی عقافت بلک . معاینات را خضه طبق
مقررات اداری تنبیه کرده اند .
مایا ادری تکمیل ایشان ثابت میکنند که به بعضی ایشان بلک است به
هیچکس نظر شکومت ندارند . البته از مجاززه و سبب است و قانون و مایه سید هم
این توابع صرف نظر میکنند .
اگر در ضمن تنبیه و توبیخ اخیر که حتما روی نظر خاصی انجام میگردد
این جا دیگر موضوع از صحبت خارج میشود جنبه سیاسی پیدا میکند
و انکس ما کارهای و بر سبب و تکرار است که انکس بر سرده و مکرر است و طرقتان
چدی معمر است . انظر شبینی میگویم .
آقای مشفق را بطور تصادف آورد کرده باشند . نامه ایشان مارا خارج میکنند
و امروا در این اشیا طوری که نوشته اند پیش از خدمت سنیوانت و آزادی مشفق
دیگری نداشته باشد . و از مثل حساس خود برای دشمنان آزادی و مردم گراسی
سوز استفاده نمایند .

کجا میکشاند ؟
آیا دوام گدایته بقدر ملک ایران است

روزنامه های اتمام داد ، مین ،
ایران ، نجات ایران ، رهبر ، فرمان
سیاست دولت سازه را مد مدود سله
قرار داده دوام گدایته و برای او . برای
یک ساعت می باشد برای اکثر ایران معمر
بلکه خطرناک میباشد .

کتابت او چشم بر بندند . سر بر کس
موتولیان سبب سازه را برای نگه داشتن
ریاست مجلس را کسبون آزادی که
داشت سقوط میکرد قریب ندادند .
می بایند در تشکیل دولت ها به چیز
باقی در صحنه ؟

من از یون می آیم

اعمال شاهه قزاق دست کرد و راه ای
مشتق شده باشد .
ماه داری دیگر موضوع ندارد
هیچکس مرمت آزادی ندارد و بودارد
ایستاد و معانی از خود بودارد
خوار و پابر خورده . همه در صورتها
مجموعه . آخو از روشهای ترک و
رستورانهای که میباشند خود را موزیک
سرگرم میکنند جزو خوار خوار خوش
گفته شده است . زیرا با آزادیان
و بران و با شکل مایح های عمومی در
آمده است . دو میان این نکست و ادوار
مأمورین نازی هر روز خوب زندگی میکنند
و خوب میبرند . چند موبایله بزرگ
که اصداقا از بیبران نجات یافته اند
هر روز برسات و برای خدمت مأمورین
بند مرتبه نازی و کلبه های مالک اشغال
شده میباشند .

روزنامه گدایته ایشان عدم صفات
خود را نشان داده ثابت کرده بودند که
سختی در هفت و هشتاد تنبیهات نمود و
اعتیاد را بکنند چه برسد با دوا ملک
با وجود این اکثریت معنوی مجلس یک
باز دیگر برای معطل کردن کارهای ملک
برای تکمیل تسلط ناسروخ خود و برای
تأمین مقاصد شخصی هر یک از افراد خود
داشتند و تقویه او را بوش ملت ایران
سوار کردند .
ساعت بنگار است ، سواد و مولمان
چست ؛ کجا نگه داشته اند . درس ملک
داری و سیاست و امور از که آموخته
بگذارند . جیت و دست مشور است ؛ چرا
او بیبازرارد متناهی و حامی این ملک
باید بر تری داشته باشد ؛ هیچ کد مایه
مطلوب نیست .
این مرد امروا با باندازه یک کارمند
ساده ای از داور دولتی از اوضاع داخلی
ایران اطلاع ندارد . علاوه بر رنگی و
بیوش از دوا و آداب و رسوم ایرانی
بروی ایرده در کارهای اجناسی دخالت
نداشته از خود هر چه گزین امتحالی نداده
است .

از ابتداء جنگ کنونی و معصوما در طی ماه های اخیر نظر مجلس
چنان جوان این بوده که باید بعد از نکتت فتنی آلمان و فرار سید نه
صلح از انتباهات بیجان و روسا و گشت های جنگ بزرگ گدایته جان گیری
چونک وضع و شرایط ایجاد کرده که در بر تو آن یونان از مباردت بیگ
دود توتی جلو گیری نمود و در این غصوس از طرف اغلب سیاستمداران بزرگ
نقشه ای طرح شده و در طی کفرانی های سیاسی مهم و نامداران متفقین از
این مسئله با هواره مورد توجه بوده است .
اینک نظر اهمیت موضوع طرس را که مناسر روز دولت برای این منظور
توبه و پیشنهاد شده بنظر خوانندگان محترم میرسانیم .
ف . ا .

بقیه از شماره اول
آن عداوت جمهوری که در آلمان
برقرار و در میان ملی ؛ منبیه میشود
شاد روز و در کاست و احکام اعدام
را در میان میکنند و محکومین بیچاران
شده و با بدار و سبب میشود . اجازت
اخیر و در میان های تری برای یوز
در باره آتابیکه و شکست طلب .
میباشند اجرا میکنند نتیجه این است که
تنبیه و انزجار عمومی از گنجانید و افراد
گارد حمله هتزاری شدید تر شده است
در منقسم که آلبانیای توسط احوال
منظر نرغی سینه که حساب خود
بل عسالت گنجانید و هیسار متغیر
حکومت وحشت که غیر در آلمان
بر قرار کرده است با یاد آزادی های
مضاره گویس میانه و میباید بیباید
دستگاه تبلیغات گویس شب و روز
با تمام وسایل بکسر آلبانیای میخوانند
که آلمان شکست بخورد چه
سر افروختی در کین آلمان میباشد .
حکیم تجبیرت عمومی و کارکنندگی
نفرین آلمان را گشته است . در دیران
هنوز چند تأثیر وسببنا خود دارد که
فقط بر روی سببازان مانده است . بران که
کسی پیش بیب مرکز بر است ؛ و ترحم
خوشگنارانی و داکون بشکل اردوگاه
ف . ا .

انحسای بصیر در ظاهر مین پرستی
و ایران دوستی ایشان شکر دارد ایشان
قابل و خاواده خود را نواسته و با
صورت است اند از حصار ایرانی تشکیل
بدند ما است از خوندهای شکست ننی توامین
ایشان را تکمیل بکنیم ولی و سبب های یک
ایشان کرده اند تنبیه اول در وجه مردم
نی تا بزی باشد . با انلا هم توجه و اعنای
ایشان را و بامت خود نشان نسند .

آقای روز دولت در طی کفرانی
در حضور مدبران و خبرنگاران گراسی
خود را در دایره بر جانو گیری از
مفروت آلمان بیگ جنگ جدید بقرار
ز تر شرح داد .
۱ - کنترل صادرات
۲ - کنترل مواد و مصالح مهم
۳ - کنترل خرید
۴ - جنگ اقتصادی
۵ - تحصیل دولت آزاد
۶ - کنترل قدرت جنگی آلمان
۷ - توبیه ساقستان
۸ - توبیه بازگانی خارجی
این هشت خدمت شاه نامه ای برای
آقای روز کرسس در اداره اوضاع
خارجی برترانده شده و در نامه معصوما
قد کرده که این بر نامه سیاسی بزرگ
باید از طرف اداره خارسی به موقع
اجرا گدایته شود و به ضمن آنکه
شکست فتنی آلمان اعلام گردد و با
اداره در حد و وظائف نهد و با
سازیت خود این بر نامه را عملی نماید
اگر یک بویسند جاجین بودنلا
در این بی برمود ای می توانست به
تقلید از جوتوف با دمواسان برسند -
تا زها و توبیای متممی ترمیم کرد -
داستانی سینه طباط از همه آچه در این
دستگاه با برای جیب میگردند بود

روزنامه های پارسی
چنانچه روزنامهجات هر چه خارجه
بر می آید پس از آزادی پارسی به بسیاری
روزنامه در خارج دریا شرح و بشناو کرده
و شارحه آنها پیش ازین از جنگ است
و هر روز هم روزنامه تازه منتشر میشود
و مردم پارسی پیش از زمان کشته اول
روزنامه میبندند و این خود عمل انکس
ببایدی تراز سال از اوضاع خقیسی
چنان است تراز روزنامه ها به ۱۶۰
هزار نسخه محدود است .

آیا بانک ملی میتواند چیزی بدهد ؟
حسابهای شماره ۳۷۶۲۲۳۲۷۰۰ حساب های دیگر که برای امانه
کرگان باز شده بود چه مبلغی جمع آوری شده و این مبلغ را کجا
وصول کرده اند ؟

تقلیم : « احمد - احمد »
نیب اداری
بالاخره بعد از مدتی سرگردانی
مانند نومنتظاری لرزانی که قلب
آهن برابرا پیدا کرده باشد ، در یکی از
ادارت دولتی شروع آتمد
(اگر چه) تقلیم جرم و جرمین دستگاه
بودم ، و نقلت منی بیهوده گوییدم خود
خود را از این ماضی برون سازید .
نگهدارم ولی آسودت تقاضای بومد و با
نیب کلاخص سرگردانم ،
اکون ذوقیات برای اولین مرتبه
(دارم) « دستم اداری » بنام منم .
و بر میبندم . بنابراین چیزیهای
میباشم بر اینها تا از کی دارم .
اگر یک بویسند جاجین بودنلا
در این بی برمود ای می توانست به
تقلید از جوتوف با دمواسان برسند -
تا زها و توبیای متممی ترمیم کرد -
داستانی سینه طباط از همه آچه در این
دستگاه با برای جیب میگردند بود

روزنامه های پارسی
چنانچه روزنامهجات هر چه خارجه
بر می آید پس از آزادی پارسی به بسیاری
روزنامه در خارج دریا شرح و بشناو کرده
و شارحه آنها پیش ازین از جنگ است
و هر روز هم روزنامه تازه منتشر میشود
و مردم پارسی پیش از زمان کشته اول
روزنامه میبندند و این خود عمل انکس
ببایدی تراز سال از اوضاع خقیسی
چنان است تراز روزنامه ها به ۱۶۰
هزار نسخه محدود است .

تقلیم : « احمد - احمد »
نیب اداری
بالاخره بعد از مدتی سرگردانی
مانند نومنتظاری لرزانی که قلب
آهن برابرا پیدا کرده باشد ، در یکی از
ادارت دولتی شروع آتمد
(اگر چه) تقلیم جرم و جرمین دستگاه
بودم ، و نقلت منی بیهوده گوییدم خود
خود را از این ماضی برون سازید .
نگهدارم ولی آسودت تقاضای بومد و با
نیب کلاخص سرگردانم ،
اکون ذوقیات برای اولین مرتبه
(دارم) « دستم اداری » بنام منم .
و بر میبندم . بنابراین چیزیهای
میباشم بر اینها تا از کی دارم .
اگر یک بویسند جاجین بودنلا
در این بی برمود ای می توانست به
تقلید از جوتوف با دمواسان برسند -
تا زها و توبیای متممی ترمیم کرد -
داستانی سینه طباط از همه آچه در این
دستگاه با برای جیب میگردند بود

تقلیم : « احمد - احمد »
نیب اداری
بالاخره بعد از مدتی سرگردانی
مانند نومنتظاری لرزانی که قلب
آهن برابرا پیدا کرده باشد ، در یکی از
ادارت دولتی شروع آتمد
(اگر چه) تقلیم جرم و جرمین دستگاه
بودم ، و نقلت منی بیهوده گوییدم خود
خود را از این ماضی برون سازید .
نگهدارم ولی آسودت تقاضای بومد و با
نیب کلاخص سرگردانم ،
اکون ذوقیات برای اولین مرتبه
(دارم) « دستم اداری » بنام منم .
و بر میبندم . بنابراین چیزیهای
میباشم بر اینها تا از کی دارم .
اگر یک بویسند جاجین بودنلا
در این بی برمود ای می توانست به
تقلید از جوتوف با دمواسان برسند -
تا زها و توبیای متممی ترمیم کرد -
داستانی سینه طباط از همه آچه در این
دستگاه با برای جیب میگردند بود

تقلیم : « احمد - احمد »
نیب اداری
بالاخره بعد از مدتی سرگردانی
مانند نومنتظاری لرزانی که قلب
آهن برابرا پیدا کرده باشد ، در یکی از
ادارت دولتی شروع آتمد
(اگر چه) تقلیم جرم و جرمین دستگاه
بودم ، و نقلت منی بیهوده گوییدم خود
خود را از این ماضی برون سازید .
نگهدارم ولی آسودت تقاضای بومد و با
نیب کلاخص سرگردانم ،
اکون ذوقیات برای اولین مرتبه
(دارم) « دستم اداری » بنام منم .
و بر میبندم . بنابراین چیزیهای
میباشم بر اینها تا از کی دارم .
اگر یک بویسند جاجین بودنلا
در این بی برمود ای می توانست به
تقلید از جوتوف با دمواسان برسند -
تا زها و توبیای متممی ترمیم کرد -
داستانی سینه طباط از همه آچه در این
دستگاه با برای جیب میگردند بود

ورق پاره های زندان پنججاه سه نو

آیا کتاب پنججاه سه نو تاریخ است

دو شماره گذشته افتابنا ساده روح داده بجای کتاب پنججاه سه نو... همان جمله اولی درین باره های زندان نوشته بود... موی با وجود آنکه من کرده... در کتاب خود از پنجاه و سه... جدا طرفدارای بخند از آنها را گل... سر سر جامعه نهادند انبیا کامی از... قلش هارانی در حق شمه که شبانه یک... زندانی سیاسی بوده است...

و درین مورد وقت بسیار... در کتب و جراید دیگر (تکلی منکر شده... بودم بسیار سدید و شخت بودم و... دانایا سبک میدیشم... اگر چه با عبارات بلاغی عاری... گوئی کرده ولی من شفا این سایه... وا نمی بینمند اولی که منک است... خیال بکنند همه زندانیان سیاسی... گرفتاری این حالت شامف آورد را... داشته اند...

و این سخن را من با ادعای رجوع... نمی آید از مدعی است که او وارد هیچ... برودم ایستاده بر پایه دولت و دنیا... توری فهمی بر ما شده است حتی از شمه... نصد داد کسری آن روز من خلافی... نگردم بود چنین شمشیر... نبرد هنگام گرفتاری این قدر عجیب و... و انوائی بروز شده... کتب سیاسی هم نوشته بودم... مغایر بلی صورت ظاهر واقع نظر کرده... خود را با تمام جرات دعا... نیاورد... وجهی مشوش شکار خود سه استاده... من کنت آن را بجزم و خلاف حرامی... نمابند...

و آنکسوی شرف منم با پسرا جرکی... میکند شرف با این هیئت... تمام دردم... من نپوشیده نگویم آدم منوروی... هستم ولی هنگام گرفتاری رومیه من... بپایر بودم... نظرم عبیر و بست منبوس من میکردم... تسلیم اسماحت... بخوردم که در بد نشان من مادم... بظوری که در یاد داشت های بسازده... ساله زندان من نوشته ام در طول راه... توانستم بوم با انبیا و اشاره برسوم... از تنگی که از دور مرا مشایخت میکردم... دستور بدهم...

و غطری که خود و سایرین را... تشدید میکرد در شرف مجسم سازم... در صورتی که من آن روز زانام... منی یک توهم سیاسی بودم شب روزم... بر علیه دیکتاتور و ظلم و تعدی... میاورد میگردد با زعمی بی شاری... خوب بفرمانده ای بوده... که هر شبی با آن صورت از من دست... بردار نخواستند بود...

تتها من بظهور و بیرون اغلب... زندانیان سیاسی قویم کم و بیش... مدت اشغال فرانسه دور نامهای بجای... منتشر میگردد اکنون که از کان رسی... دراز است از اینها روز نامه ایبریس... مهمتر از همه است... مطای روزنامه هایک، با لایحه... مکار کرده اند و به شمشه و بافتنیار... روز نامه هایک اکنون منتشر میشود... گداشته شده است...

ظوری بودند جور دیگر من نیز ثابت... باشند... برای اینکه رفقای مسا الحاب از... میپارزد و ببرد بیرون آمده بودند... خود ما را هم برتراف در استقامت و بر... ما بود با این جرمهای زاید شنیده... بودیم از خیانت و ناداناری دیگران... اطلاع داشتیم به اصطلاح چشم گروشان... علاوه بر این زندگانی سیاسی هم... آداب و رسوم و آیینکتهای دارکده... که کم و بیش به آنها آشنا بودیم... علوی و پنجاه و سه نفر فقط در... زندان ترانستان است هر چه او... از این جوت نرس و وسعت هاروی قابل... اعراض است ولی آنرا نمی بینی به... ظلم آزرده باشد...

اگر چه بیان زندانیان قدیم متاصر... سبت و جدی... وجود این قدیم است... مخصوصا در استقامت اولیه... چینی تر بودند...

علوی به این موضوع جدا کتیز... برداشته بنفیس من که برای هم کرده... است اگر چه جاد روحانی من... کارهای اجتماعی داخل میشود... سران انگلیسی بنده و سه نفر شان... نعمت بسیار است... در شماره های پیش نوشته... اعتراضات بعضی از افراد پنججاه... بر اساس اطلاعات فقط تفتیش و تفتیش... شکنجه شدید شمرانی... این را در نامه نگار منکت با وجود... از عدم توجه و جان خود آذینان... هم در این کاری تاثیر بوده است...

من شایان و برداری خود خواهر... بشی ما را مانند علوی میوهام... نگردم... تاج و تزیینم و از کتب من تاریخ... تفاد: بکنیم همه آنها را با حال و احوال... و احوال بیجا نیستی موند... با بشیم... می گویند هیچ گلی نثار نیست...

پنجاه و سه نفر هم در صد... نوربان: صد در صد می عیب و نقص... ترورند... ولی دوری همه هرفهت ستاروش... فکران حتی سبت به محبت و زحمان... مکتب آنها را باید مردمان قدا کار... چعی موی و خوب دانست...

آخورد که بگوئیم آزادی... خواهی فقط از آنها آغاز شد است... آخوردیکه سبها از روی غرض... شخصی و مخالفت همه آنها را مردمان... یخ و الا اینجاست بکنند... شگفتی های اهالی آصفه را... دولت کوچکترین توجهی نسبت... یاننده صورت اهلان ندارد و نسبت به... سرنوشته اهلان آن ملاحظه دستور داده... عزیزا اهالی اداره دارایی درین شکایت... از طرف مأمورین دارایی در هر گیسوی... شکر نیم جانور و دو سه بی جای کسری... نری چپاؤن تمال کسری بداند...

ما توجه اولی امور را سبت بیان... سوه جریان و در ایجاب کدها... داریک دست این گونه مأمورین تیه... کارو خان کوتاه گرد...

اخبار کشور

نگرانی اهالی شمال از قطع رابطه دولت دوری با ایران

تلگرافاتی از اقطاب شمالی... بقامات مختلفه تهران رسیده است... بر ابراز نگرانی از رویه مساعد... روابط دولت با اتحاد جماهیر شوروی... که ممکن است منقطع قطع رابطه... خود با بیس جرمهای زاید شنیده... بودیم از خیانت و ناداناری دیگران... لازم بود باید بر سر سویی است... ایجاد حسن رابطه... کرد...

تعطیل کارخانه های اصفهان

استاد همدان کارخانجات... کارخانجات اصفهان... است از قرار مسوع کارخانه... در شرف و در حال استراحت... است از دادن حقوق کارگران خود... داری میگنند و حتی مدیران کارخانه... از آامن به محل کارخانه امتناع... کنند...

از قیام مدلهای عمده ای از مدیران... کارخانه ها پتیران استاده و... از این موفقیت استاده کرده و مقام... جانب منافع و نیولانی در کار خود... آینه در صورتیکه... استغایه های سرشان آن ها از کارخانه... در سنوات گذشته... آمده تها در کار استخوان کارخانجات... از اصفهان مدیران بر سر فرستاده...

استغایه مدیران... برای اطلاع... آرای وزیر راه... دولت و تخته جانشین است... اعطای شایان و نور... عصر روز آیین ماه جاری... دولت شکر آیین اسلامی... روزی و بیگانه... ششاهنگام... دولت تیره روزان... دست آورده است... بد از ماهر در عشرت آباد حضور... برسد...

فرمانده دانشکده افسری

فرمانده دانشکده افسری... فرماده دانشکده افسری انتخاب... شده است... هماینت چهارم آبان... روز پنجشنبه ۱۱ آبان ماه... قبل از ظهر مراسم سلام در کاخ گلستان... معراج و رسوم... شد...

تأسیس سرباز وظیفه

چون استیجابات... لحاظ سرباز وظیفه... بکنیکه دادگاههای... و حوضه های... خود (باستثناء شهر تهران)... برای انجام خدمت... نرسند و تعداد... مقررات قانون... اهالی کسان... پوششیت... بدین بر کرای قانونی... بلا امتناع نیز... مرضی خواهد شد...

مباحثه ادبی

برق سر سبزینا به آذربایجان

اما بعد لطفاً... ندارند البته در میانشان چه بسیار... و نیکشان درود بود... بپنجراه با اعزاز بودند... همه کس در این روزگار سخت... و بیوشه... زندان اند...

باری... نپزیرند... در صورتی که از ننگه برود... و پیش چشم کشید... آه می کشیدم... قدم میزدم... شده اند...

رفته رفت جمیعت... جاهای دور رایبها... ان من می خواهم... بی است هر چه خون مارا... ما از فراری های... بی شرفها... برود... باشد...

دیگر این میدان... مکتب زار های... دانش مهربانی که... هر چه بدیدم... اینج سبت... اما باین همه... بود که مرا از... بکنم... کارکنان از دور... مردم... این توده انبوه... جدا... عرق... در شانک... ریکار... برخواست... دودست... یور صلح... مردان... من دیگر... نلامح آبی... گرفتار... پادشاهان... من خود... دوران میان... تفرصت... بکه خوردم... آواز چیره... دیگر شایدم...

قبر علی ای... خودت پیواره... کجا رفت... دیگر طاقات... چهره آفتابی... انجا که بیگانه... کز تنهایی... تبار کندی... سیاهم وقت... باور نام... دور گردیم... فرو رفت...

زده بهر سو رفته... پایتبه سر سبزینا... خدوت پیواره... کجا رفت... دیگر طاقات... چهره آفتابی... انجا که بیگانه... کز تنهایی... تبار کندی... سیاهم وقت... باور نام... دور گردیم... فرو رفت...

زده بهر سو رفته... پایتبه سر سبزینا... خدوت پیواره... کجا رفت... دیگر طاقات... چهره آفتابی... انجا که بیگانه... کز تنهایی... تبار کندی... سیاهم وقت... باور نام... دور گردیم... فرو رفت...

اخبار کشور

معاونت اداره خواریار

آقای توفیق کلاسی در دین نربون ۲ ساعت اداره کل خواربار شهرستان موشنول کارگردید.

یکه کسیون کجیون

بشدن ظاهر دیدوز کجیون دوجو مجلسی تشکیل و میدود لایحه مربوط یکدمه و بیجا مابون کذا طرح آفران رود مذاکره فرا کرفت و بنهاد آیینسازیمجلسی مطرح شد.

غریب کمان

آقای غریب کمان، بهرامی استادناز شهنشیر از نمایندگان های هوزماوروت خوندیروز بوظرف کرمان عزیمت نموده یجت ذرات نامه دادگستری از طرف وزیردادگستری آذایان

و کلاه دادگستری دعوت شد است که ساعت پنج بد از ظهر امروز برای بحث در نظریات ارائه وزارت دادگستری و استماع نظریات آذایان منبورد الالار دیوان بگیر حضور برسند. حساب هیئت ساهه آتشی وزارت جنگ برای تفریح معاصبه سنوات گذشته تصدیق گرفته دو کیسیون از اسراران اجباریه تشکیل دعوت از طرائق باطنی کسیون های هیروزور قبل از روز گذشته کسیون مرکب از آقای سرینب عثمانی آقای سرینک زینب دارابی آقای سرینک نادورمهانی اراکانی حضور آقای سرینب منصورت تشکیل و مشغول شور و مطالعه کسیونهای منبروردیده و تراست کسیونهای آرا منبروردیده کیسی حساب سنوات گذشته هیروزور و کیسیون یومی مامور رسیدگی به سلسله هیروزور ۳۲۰ تا هیروزور سالجاری بشود.

قهرمانان نظامی

آقای سرینک اراکانی از طرف منبرورداد که بستان سرمدار نظامی آرا مآورد غنطوم برجه امامان متفقین انتقاد زوری داد کله مربوط تشکیل خواهد شد.

بقلم آقایون فرانس ترجمه کریم کشاورز

بر فر از سنگ سفید

من پریمیوم آذربایجان هستم قرین ما موجب منور و نزل آن تبریک دور میروند خاد. دود و رسته کوبن ممنوع ماست. اولی علا نیبوان آزان جاوگری کرد. هنوزم دورنامه مردمان شعیبوسلو و سوشنکس و وزیر فعلی دکتر موسدودو بیعت ووشی و ناراضی یات میشود و اولی همدیگه میزدگی میباشد چون چیزی است ۷۰ من منظره ای انگر یکرم دیدگاهم. آقای مورن از سفندان شما چنین بنظر میاید که شما متعلق دور رسومات و برادری راهملی گرانهایی بیزیرم که این موفقتر از بیخ انگریز تحمیل کردن بایدیمنه من و آزادی را از این چیزی گرمای ترمیدارم. مورن خانه بالا زده و گذشت. مساوات است مقرر ساخته ایم. فیادیمسارارت جیت کاری که ما کرده ایم این است که زندگی همرا تا مین کردیم. ما سارا را برکنه شرافت نشانده ایم. الا لاکر بنا خود را بالاتر از شاعر میداناد و با شاعر در مقابل بنامزینی برای شوش قائل شده است با مرموز کجست تمام کارگرم ما تصور میکنند که نوع کارشان از یاد دیگران برتر و ضروری است. نایبه ان طرز فکر از طرفی بیشر است. و تفویض هیولیت. علی الظاهر هر کتبهای قرن اول و دوم که بالا بدر کس است باینکه شایان بوده ایم. توفازول آن کتابها سنین مینگوئی مورسورتیکه زبان آما دیگر برای ما میباشد شاعر ماینتیوام با سوسی همیجه که دوستان فعلی شانی چگونه است. آزادی و مساوات برادری چرا بر گردیدند. آزادی مسکن نیست درجهامه دوجه داشته با شد زیرا در طبیعت موجود ندارد.

مهمترین اخبار جهان

دیومستان در شمال روسال خاوری شهر دیر از آن ازمای دولتی بزردهای تهاجم ۴۰ نقطه مسکونی را اشغال نموده اند. روز ۱۲ گنبر دو طوطی بزردهای برای اشغال شهر دیر کران قوایا پیش ۶۰۰ تن از آستراخان و سرایب آلمانی و مجاریستان را از سرزمین ۱۰۷۲۵۷۳ توپ کالیبر های مختلف ۱۳۰ توپوتوری ۱۶۷ قطار و ۱۰۰ بارجهات رسانده و دواد جنگی متعددی را صادر شده است. قوایما ب بزردهای تهاجمی در شمال باختری شورسرتانده اند و در چندین نقطه مسکونی مهتر اشغال کرده اند. در خاک روز اولای در جنوب خاوری شهر روسن را قوایما خود ایستگاه و راهسیر که از مسکونی مهربازگان وازما کالیبر ۱۰۰ میگردند و جنوب و جنوب خاوری بلگراد قوایما که در آنجا استایل می گردند مشغول به لیبانته جان دایویستگاه راه آراهن موم گروزسواتک و شهر استگاه و راه آهن زاگور ارا چندین قطعه مسکونی و مهم درخوردن اشغال نموده اند. در سایر نقاط جنوب و شمال و جنوب غربی زنای داده شده و در چندین نقطه های محلی محبی روی داده است. روز بیستم آکت میاهان در مراسم ۳۱ بهار ۱۹۰۲ که از مسکونی رابازگاران داشته و در بزردهای خاوری و سایر ایشترک استشارهای ضدهوالی ۱۰۷ میباشی در حزب سوسیالیست گردید.

قهرمانان ورشو طبع خبر گزاره آژانس بل برس مود روزنامه اکثر گنیه نجات ملی اسپان خطاب ه همت خود نشانانوده جهت یاد بوسر اذایان شورسولستانی هم. چین و روس و فرانسه که دوره آزادی ورشو جان داده اند در مجالس سرگوازی شرکت جویند. در آن سرزمینهای لهستانی که از دست دشمن آزاد شده از طرف احزاب سیاسی و اجتماعهای جوانان دانشمندی و سخنرانیهای موسی به محور یاد آوری اذیامات و تفریحاتی در برهان ووشو که جان خود را در دفاع از وطن از دست رفتاری شاعر ووشو یافته اند.

برقرا از طوطی بزرگ کرازی شوروی مارشال شوروی تانیر فرمانده کل ارتش نجات ملی از آذربایجان تبریکات زیر را ارسال استایلین نوشتند. کل تبریک های شوروی متعلقه منازه و روزدهه سنگ آلمای بنامست نجات بلگراد پایتخت کشور و گرو اولای ایچره مبروهم نام ارتش نجات ملی و ملت و جوامع آزادی یبشا زینماه ای اول ارتش بزرگ آلمانی و که بانهای شوروی نجات ملی و جوامع آزادی بزرگ بلگراد را از دست دشمن نجات

جوان آزا وجود ندارد. سابقا مینگشته انسان آزاد است و دلیلان هم میبود که هر بقانون نکسی و جبری اطاعت لیکنده ان خطر چگونه بود. بخانه دور اوهر در دوره جومرج سیاسی مبارزادی آزاد آزادی را همه میبکنیم بکنار بیرونه و این لایحه بالاخره قنطاریه بیان آزادی عملنامه منازاه و روزدهه سنگ آلمای دماوی آلمان هارم شده بود فکر مساوات هم آزادی بی برپویا نت از این حد که تا به حال لغات متضاد و کفنیما میروندانه زبان عربی میباشد. ما دور بی اینکه آنها مسواک نام برارند با ایستاد. ما باید دقیق بناییم. هر کس مرید شونده طبق امتداد و نائش و جمعه و آنچه را که امتیاح کند بگیرد. اراهم برادری. مساوات و عدالت در وسط فنون کجاوه برادران با برادران رفتار کردند. با سوسیالیسم که گناها بند با یوغند هستند آخچه هستند. چیزی که ضرورتی هست و دلایلی برای گفتار بکنگر نداشته باشند. دور سنج و آوریام ش زانگی میکنند. ما تمام اشعاری شوشورا را یک کله بنویسیم جای نمیکند. سوسیالیسم که متنکی و توارن درجهامه ماکسلفرماست. قدر متفقین این است که امروز تمام نیروهای بشری با هم آهنکی عمل میکنند. مورن باتندی برادر داد.

آسیب

بناویحه ۱۹۰۷ د ۱۲۳۳- آذای داد هکوردیو تهرانی شناسنامه شماره ۷۷۲۸ مورخه شانزدهم تهاجمی نامه خبر روزات نموده بدین توضیح که مرحوم بابوللی ز شکورویو تهرانی دانه شناسنامه شماره ۱۲۳۷۲۷ دو تاریخ دوم تیرماه ۱۳۰۰ و تهران جایگاه هشتاد و پنج و غلات بانک و مقاضا بر و اهالی حصد (شکورویو تهرانی) شناسنامه شماره ۱۲۳۲۱ شهر موشنول و امر متخیر میباشند پس از شنیدن آنگاه گواهان مراتب سه نوبت متواصا مرات بیکار در مجلس سوسی وزارت دادگستری و هیوز کوریوز نامههای کر اطلاع می رساند که هر کس نسبت بنمایشی مزبور اعتراض دارد دعوت مرقوم تقدیم و ابی اس از انتظامی دوید گواهی نامه صادر خواهد شد و نیز اگر کسی وسیت نامه از متونی دارد در طرفت مت مزبور ابراز و الا هر وسیت نامه خبر ازموسی سری ابراز شود از درجه امتیاز ساقط خواهد بود.

دانه و دلاری نابل الا مصلحه ای خورشیدی بنسبمه ظووروسایند مراتب بناسکدرتی وحق شناسی خود را تقدیم نامی. نتایج بلگراد برای ملت های ما اهمیت تاریخی بزرگی دارد معصوما بدلیل اینکه کشور سندهایی در اینجا جایگاهی است که خون فرزندان کشور بزرگ انصاف جامعه شوروی و فرزند ان دلبر و گرو اولای بخنده شده است. این همکاری نظامی بزرگ گرو اولای و ملتهای و گرو اولای اتحاد جماهیر شوروی را مسکون تری می سازد. زنده باد ارتش سرخ. زنده باد کشور بزرگ اتحاد جماهیر شوروی. زنده باد مارشال استایلین فرمانده عالی ارتش سرخ. مرید با تشییع. ملت از آزادی بر خوراد باد

چنانکه خبر گرو اولای انکابی گراوش میبهد مستاد ارتش متفقین دیروز اعلام داده است که در منطقه برکنر ایکته ایستاده متفقین در حدود های شرق مشغول بمیباشند. و اعلامیه بعدی میدود که بمیاهان ماروز شازردم اکثر دولتمورس بوده شدند روز مفعم اکثر شهر موروس و ااشا کردند در حدود چهارده فر آلمانی اسیر شدند.

تعب من بشظرفیه شرون غنمه آور آدمو کوکت و ما بمیدانیم که نکاح هنوز در میان قابل وحش کافر معدود دارد. ما زمان اروپائی میپورچ هر چه ای بکنس ایجه هم کسه هم فرادی بکنس یکدمیر مربوط اما غیر نیست ما چنین میدانیم که سرورش بکنس یکد بر شتر بنیزانه مربوط و ما مین یک کسه باشد مدافکه انبیا نامه ای از عادات معصوم و غیر معنیان حاکم فرماست واتی روزی تسان بر میگرد. بدو واجب عالم له موم کسه بمیدانیم و اول و فراداد باشند در واقع تهمی مردون میکنند با شهوول با اسان انان بکنس که هغه انصاف آلمان که در دادی اسان و میبانه مردان و زنان ما نبیوهاند که وفا آدمی آلمان آن که باید مشتق از مجالس جنسائی اعلامیه باید بگونه بیست باشد. ما وایمی بکنس فریدم سابقا مردون و متفاده بکنگر که ملک اوست ما انسانی ماهه نبیوهیم ما بقیده داریم که انسان ملکه کسیت اوست و مستعار منل طبیعی شوش و ش میروم همار بدویدیم ما میباید بنسبیه امیل طبیعی روایش او ش میروم همار بدویدیم هغه بنسبیه چهارده سالش مرد افراز و بلویزی میزی بدویدیم و این جوب متفاده انجارات بزرگ و فغانگری های طائفانه ای معنی و فرقیه ای رحیمی بینه میوهاند بگونه اولی باید چمامه و امعش طبیعت کرده اند که مانند سابق طبیعت و انشعاع جامعه تار اردد. بر سوال منتظران یقیقن را تأیید کرده اند: «برای اینکه پسوم بگونه سندها هستند درجهامه ما نسبت گنفته است نامی. من در دبیرانی از کتاخهایی با انبیه نسبت شخص مورد علاقه نیست نویسیم که مردان با ان عصبانیت نسبت شخص مورد علاقه نیست من پریمیوم: «چه ها چطور رفتن خانواده نداشته باشند ولگرد بر بار بیایند.» دای چه فکری است برای تو پیشاد هاست! معیت مادری جسمی است که در دهن سیبار قوی است درجهامه و مستند گنفته مادرمه ای میبود که برای تری بیاتمان طبیعی خود با بنسور و غفلت بکنگر لرم کرده ایرد میگردند هر از ان دوره ما که از خیانت زندگی شرم آرزوهای یافته اند باری ازودان خود را روانگند چیزی که هست هر چه زانی که از مرد بکنس نظر میکنند زیاد تر میشود.

ساده مملکت را

کجا میگذاند؟

بیته از سده اول

فکر میکنند، بیرون از لیات غیر آبادانی
و غیر از ده و آبرو و اسباب ملی
آزید آرد ایرانی بایر و حینت
علی خورشید علاوه دارد، ایرانی حینت
با مناسی رموز و به سافه مازوه کرده
از اراد با یکر بهر برست ولاق بشینایی
فدوه است، ساده از آن رجال تالابو
نامزانی بود که فقط در زیر دست شاه
سابق می توانستند باسم وزیر بایر
استناد کار کرده او امر او اجرا بکنند
اکثرت جانر با پیش کشید او
پرزگین پیش منطقیاسی امر و تاج شده است
پیش از پیشایش ایشان افلا مناسیا
سیاسی ما بهما سلیکان موتد آیم بیود
و زمامداران سان بهمه او ناسی المصروف
ظاهرا نوانسته بدین نگهداری کنندی
با همه میوه و میسل میزود میگذند
لیات بر دانه توانست بود کشور در
دنیای سیم و ودیش بکنند.

اخبار شهر مقامها

تزل بهای نان

غلو و سبب منبسطه نان از ازابال
۳۶ رتال در تبریز نازل کرده این
کالی نیست قاعدتا نسبت بزخ گند مایه
شالی؛ این ترقا تا

امشایکاه بهداشتی شوروی

روزنامه وطن روزنامه میگوید که
امروز با هاد خانه فرهنگ تبریز امشایکاه
طبی شوروی افتتاح شد. این مرکز در این
ناشیکاه پیشرفته شالیابی که طیب
شوروی همکار جنک حاضر نائل گردیده
است در تحت نظم و ترتیب صحیح به
موقع تابش گذاشته شده است.
در مراسم افتتاح آن عنده از نمایندگان
و افسران ارتش برج عاجین استاندار
فرماندار و فرهنگدار تبریز و همه کارگران
معمل حاضر بودند.
در اطراف موقوفه های ۲۰ ساله
اطبای شوروی مخصوصا موقوفه های
آخرین یک شش ماهی از قبیل نوبیل و
آخوند است.

تلاوه جا کاران ۳۱ تان

مخبر روزنامه شکر از اتحادیه های
کارگران و فزایر میگوید
کربان گلان وزیر میگوید
صلحت جاید بودی س خواهد کرد این
فصلت مهم را که در آن توسعه دهنده
مخصوصا امروزه با بنایستی بران با یار
جای امشایکاه مطایره است در تحت
در حوض سادیت بطوریکه دیده ایم
کارشکنی هم میکنند
مخصوصا تا آنکه فکر میسلیو واقع
بجای مملکی شکر است و مملکت ما
زادین گلان را در راهی که پیش گرفته
اند مسامحت شوایم کرد.

تزل نان در اردبیل

روزنامه جودت می نویسد در اردبیل
نان معمولی را ۱۰۸ رتال یا ۶۸۰
رتال تزل کرده است نان خامه از ۹
تا ۷۵۰ رتال بایر آمده

موزیکها

داستان موزیکها از ترفیخ جلف تریجه
آقای کریم کوزیبا از چاپ خارج و
اداره آذیر و کتابخانه آکادیمی آفرای
چلی در د بلخ فروش میرسد.

دوره فراسی بدین گونه یک دیکناتور
دیگر بترشد. این میمان این ایدهای
هستند که پای منقل و افور در منز خود
آرزوی خیال درختان میروانندی
خوامند اگر هاشدند افلا میروانندی
جیووویا بیوشام باشد زمام امور کشور
ایران را بدست بگیرند.

بهشی از مصلین تبریز:
را همدی میباشند اینها بگویند قایبان
کارشکنی میباشند میباشند خورشان
هم میداند که سلاهی و امانل اوردن این
میدان نیستند این افرانده است و فیهده پیش
میباشند که مملکت را دانی میباشند و خورش
و میباید که سون دند و کارهای بیلی ساندند
که خودشان بیوشانند آندو دیکناتور بشوند
این خرفها اگر صد در صد حینت
نداشته باشمش هلندو میاماس هم نیست.

والا چطور ممکن بود به از این
هغه انطوائی که در بی هر ضه ولایوح
بار آورد و کارهای ساند و مجلس کوچک
تبریز نکالی بخورد ندهد. در روز خود
تبریز نکل نماید.
بارجود به اینها وضیت کابینه به
و اوضاع سیاست خارجی داخلی کشور
آزان بهتر است.

تیمپ اداری

بیته از سده اول

اداری میخواند، در باره جزئی سواردار
تنظیم یک گزارش به یک حکم اداری
نمی آید، محرمه خواندن و مطالعه
نمیدانند. یکی از آنها که لایسبه حقون
هم هست هر روز نامه میفرماید و دیگری که
لیسبه ادبیات است فقط به خواندن
اطلاعات باکتا میکند، و نتیکه روزنامه
بنداست. میگردانند، حومه خواندن مقاله
و بعد از آن بهزهای که در خارج از مریوط
دیواری اداره میگردند به آنها از جزوای
لیست دیواره هوائی که سر نوشت آنها
را تعیین میکنند میفرماید و دیگری همین
کارند اینها از همان تیب ایدمالی هستند
که قایق نراده در دهه ساسه خود از آنها
سخن بیان کرده اند. حوادت سیاسی
ناقلی و خارجی با بدین طور یکشود
معمل حاضر بودند.
اصلا حومه و اصلاع کالی برای جسد
اطراف اینگونه مسائل ندارند.

اینها از آن دسته دولتماندی
که بکمال پیش رویشان هستند. هر طرهی
آزادینا در حوس میباشند و امروزه بهز
از آنها در امور وزارت بیت و هوزر
ملاحظه میکنند.

آذیرت...

آذیرت...
دیگر یکم هستند که منجبتی و زمانی
میزوی آنها را نسبت اینها آنگاه کرده
و کنار همصاکت هر سواران. بکلاکت
و بدیغنی هم میبری دست بکریانه؛
عناهی چند، روزی ساراه و دولت
میلج میگیرند و بعد از آن مسئول
شوند.

اینها از اهل اهل با همالی که میروند
استماعا و استحقاقی میباشند که
سر میینده میباشند، اینها بکلاکت
و ذهن اینصط، مادمون در نرو
و این منجبتی هم نیستند.
طیحه کام خواس آلود و روز دیگر
نویسنده کالی که بخوانند در این اطلاق
وروس و با دمیچیف اولرژ نکر
و احتیاطات توده دورند.

مقامات متول و وضع وقت با اهل اردبیل

بیته از سده اول
بیته از سده اول
بیته از سده اول

«ن برای اوضاع دعا می

خوادم» «امروزها که مصادق

ها برای اتمر حوم فر میخوانم

دیگری از سده اول است

«اگر برضایت توجیه نرود از

دست انروزها بهمه حکایت به استانه

رضوی خوادم بود»

از خوانان نظیر این نیک نامه هار

استحاجا به از این این طرز قضاوت و

تنگر دوازده کلام آید بنمشود. از

فریدون تولی

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

تعیین که در جنوب هستیم و تعینیم که در
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب
جنوب هستیم و تعینیم که در جنوب

ای تر پلدر این جنوب اعلا!

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

هشت قاعده

بیته از سده اول

برای جوانی از مبارذت بجنگ

بیته از سده اول

میکنند که قانون (وام و اجاره)

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

هشت قاعده

بیته از سده اول

برای جوانی از مبارذت بجنگ

بیته از سده اول

میکنند که قانون (وام و اجاره)

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول

ما در جنوب هستیم

بیته از سده اول

چون در حال است

بیته از سده اول